

تحول هویت ملی دانش آموزان در دوره‌های

تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه شهر []

نوشته: خانم سکینه طالبی

معرفی مقاله

تربیت نیروهای کارآمدی که باورها، گرایشها و تمایلات لازم را برای پیشرفت و توسعه پایدار یک جامعه در همه عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... داشته باشند، رسالت آموزش و پرورش هر کشور به شمار می‌آید و تحقق آن مستلزم شکل‌گیری هویت ملی در تربیت‌یافتگان نظام آموزشی است. شکل‌گیری هویت ملی در دانش‌آموزان امروز، در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... تأثیرات بسیاری بر جامعه فردا دارد که از آن جمله است:

- ۱- دست‌یابی به وفاق و وحدت ملی؛
- ۲- گسترش و نوسازی هویت فرهنگی؛
- ۳- دست‌یابی به تصویری مطلوب از خویشتن و ایجاد سلامت روانی در فرد و جامعه؛
- ۴- ثبات، توسعه، پیشرفت و توفیق جامعه مدنی؛
- ۵- ایجاد صمیمیت در نظام آموزشی؛
- ۶- خودباوری و ممانعت از تهاجم فرهنگی؛
- ۷- جلوگیری از فرار مغزها؛
- ۸- دست‌یابی به جهان وطنی.

از سوی دیگر، این امر در کشورهای پیشرفته از جمله مهم‌ترین اولویت‌های نظام آموزشی است؛ در حالی که در بررسی‌های مقدماتی این نتیجه به دست آمد که دانش‌آموزان ما گرایش چندانی به هویت ملی خود ندارند. این پژوهش با هدف بررسی احساس تعلق به هویت ملی و سیر تحول در تربیت یافتگان نظام آموزشی و شناسایی راهکارهای مناسب برای دست‌یابی به وضعیت مطلوب انجام گرفته است.

روش این تحقیق از نوع پس‌رویدادی است و نظریات آزمودنی‌های پژوهش - که شامل ۲۴۰ نفر از دانش‌آموزان دختر سه دوره تحصیلی است - با استفاده از پرسش‌نامه جمع‌آوری شده و از طریق روش‌های آماری مجذور کای، کروسکال والیس و ویلکاکسون مورد تحلیل قرار گرفته که نتایج آن از این قرار است:

۱- فرضیه مبنی بر وجود احساس تعلق به هویت ملی در دانش‌آموزان دوره‌های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه تأیید نشد.

۲- رابطه معناداری بین دوره‌های تحصیلی و تعلق به هویت ملی مشاهده نگردید و تأثیر نظام آموزشی بر شکل‌دهی هویت ملی مورد تأیید قرار نگرفت. در عین حال، این سیر تحول بیانگر کاهش حس تعلق به هویت ملی از ابتدایی به راهنمایی و از راهنمایی به متوسطه است که از نظر نویسنده، جا دارد دست‌اندرکاران آموزش و پرورش با اتخاذ تدابیر مناسب، به شکل‌دهی هویت ملی در دانش‌آموزان اقدام کنند.

این مقاله را خانم سکینه طالبی برای درج در ویژه‌نامه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در اختیار فصلنامه قرار داده است که به این وسیله از ایشان قدردانی می‌شود.

مقدمه

تحقق جامعه آرمانی (توسعه یافته) مستلزم وجود افرادی است که باورها، گرایش‌ها و تمایلات لازم برای پیشرفت و توسعه چنین جامعه‌ای را داشته باشند. این افراد به عنوان سرمایه‌های اساسی جامعه، تعیین و تسهیل‌کننده فرایند توسعه پایدار در همه مقوله‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... خواهند بود. با وجود این، رسالت آموزش و پرورش در هر کشور، تربیت نیروهای کارآمد و پای‌بند به فرهنگ و آرمان‌های آن جامعه است؛ چراکه پرورش انسان‌هایی که از رشد و اعتلای فکری برخوردارند، جز از طریق آموزش و پرورش مؤثر و کارآمد میسر نیست. در این رهگذر، "کنفیسوس"، فیلسوف چینی، بر قدرت تعلیم و تربیت جامعه تأکید می‌ورزد و نقش و اهمیت تعلیم و تربیت را همسنگ تهیه غذای کافی و تدارک ارتش قوی برای دفاع ملی می‌داند.^۱ هم چنین تربیت افراد شایسته‌ای که به فرهنگ خودی علاقه‌مند باشند و در پاسداری، پخش و نوسازی آن بکوشند و با کسب مدارج عالی علمی، خدمت به کشور را سرلوحه زندگی قرار دهند و از روی آوری به کشورهای دیگر بپرهیزند، در همه کشورها و خصوصاً در کشورهای در حال توسعه اهمیت ویژه‌ای دارد. رقم بالای فرار مغزها از این کشورها مؤید این موضوع است.^۲ از سوی دیگر، نهاد آموزش و پرورش باید پاسخ‌گویی نیازهای فردی و جمعی زمان خود باشد. عدم پویایی و ناتوانی نهادهای پرورشی و آموزشی در برآوردن نیازها، به پیدایش یکی از بزرگ‌ترین معضلات یعنی بی‌هویتی نسل نوجوان و جوان منجر می‌شود که در قالب جریان‌های وسیعی چون الیناسیون، پوچ‌گرایی، پوزیتیویسم اخلاقی، نژادپرستی، مدرک‌گرایی و نظایر آن تجلی می‌یابد.^(۳)

در مقابل بی‌هویتی، هویت‌یابی قرار دارد که غالباً از آن به دارا بودن یک احساس نسبتاً پایدار و منسجم از این که "من که هستم و که باید باشم" و برخورداری از مجموعه خصایص فردی و خصوصیات رفتاری که براساس آن، فرد برای خود و دیگران قابل تعریف و شناسایی باشد، یاد می‌شود.

امر خطیر هویت‌یابی فرزندان این مرز و بوم، توجه علمی - کاربردی به فرهنگ و هویت ایرانی را در نهاد آموزش و پرورش می‌طلبد اما از نظر عملی، فعالیت خاصی در معرفی هویت ملی، ایرانی به نسل جوان و ایجاد تعلق خاطر به آن صورت نگرفته است. فراموشی تمدن درخشان ایرانی و عدم شکل‌گیری هویت ملی در افراد، زمینه ساز ایجاد تردید در خودباوری دانش‌آموزان شده و ضعف در توجه به فرهنگ اصیل ایرانی از علل عمده جذب دانش‌آموزان به فرهنگ بیگانه بوده است.^(۴)

حل این بحران، در شکل‌گیری هویت ملی دانش‌آموزان امروز نقشی اساسی دارد. نکته

قابل توجه این است که هویت ملی مقوله‌ای از نوع دانش و گرایش است (۵) و زمانی می‌گوییم هویت ملی شکل گرفته است که به صورت یک طرحواره یا شبکه ذهنی در نظام شناختی، عاطفی و رفتاری فرد ایجاد شده باشد. در این جا منظور از طرحواره - چنان که گایه اشاره می‌کند - سازمانی از عناصر (موضوع‌ها، تصویرهای ذهنی و نگرش‌ها) است که مجموعه بزرگ تری از اطلاعات معنادار مربوط به یک مفهوم کلی را نشان می‌دهد (۶) و در این مقوله، نگرش‌ها دارای اهمیت ویژه‌ای هستند؛ چراکه از آنان به حالات پیچیده انسانی یاد می‌شود که بر رفتار فرد نسبت به افراد دیگر، چیزها یا رویدادها اثر می‌گذارد و تعیین‌کننده نوع رفتار فرد، در برخورد با مسائل فردی و اجتماعی خواهد بود. با این وصف، در پژوهش حاضر بیش تر جنبه گرایش و حس تعلق به هویت ملی* مطرح است و هویت ملی عبارت است از آگاهی‌یابی بر مجموعه ملت و احساس هم بستگی عاطفی با اجتماعی بزرگ ملی و وفاداری نسبت به آن. با این وصف، ضروری است که هویت ملی از جنبه تعلق به هویت ملی در دانش آموزان مورد بررسی قرار گیرد و با شناخت وضعیت موجود و اتخاذ پیش و روش و برنامه ریزی مناسب به سوی ایجاد وضعیت مطلوب گام برداشته شود. از آن جا که نخستین قدم برای حل مسأله، شناخت دقیق آن است، مسأله تحقیق بدین عنوان شکل می‌گیرد: «تحول هویت ملی دانش آموزان در دوره‌های مختلف تحصیلی در شهر تهران».

شکل‌گیری هویت ملی در تعلیم و تربیت از دو بعد حائز اهمیت است؛ ابتدا از جنبه فرد (روان‌شناسی) و لزوم هویت یابی تک تک دانش آموزان برای دست یابی به تعریف، درک و شناسایی خود، عبور از بحران هویت و اثربخشی در سلامت روانی، ایجاد تعلق زمانی و مکانی که برای ایجاد خودباوری و اعتماد به نفس در افراد دارای اهمیت است. جنبه دیگر، جنبه اجتماعی (جامعه‌شناختی) است که در این بخش، هویت یابی و شکل‌گیری هویت ملی همه دانش آموزان به عنوان جامعه آموزشی و گردانندگان جامعه فردا اهمیت می‌یابد و مجموعه این دو عامل در نظام آموزش و پرورش برای دست یابی به اهداف زیر مورد نظر قرار می‌گیرد: ۱- ایجاد وحدت و وفاق ملی؛ ۲- رشد و تکامل انسان‌ها، توسعه هوشیاری گروهی و افزایش خودباوری و اعتماد به نفس؛ ۳- تداوم و اعتلای هویت فرهنگی و ظهور تمدن و توسعه؛ ۴- ایجاد صمیمیت در نظام آموزش؛ ۵- مانعی در برابر تهاجم فرهنگی؛

* عبارت حس تعلق به هویت ملی ممکن است قدری نامأنوس به نظر آید؛ چراکه در مفهوم کلی هویت ملی به گرایش‌ها نیز پرداخته می‌شود اما از آن جا که این پژوهش بر حیطه عاطفی در هویت ملی تأکید دارد و عبارت مناسب تری نیز نیافته ۱-۳ و هم در عین حال، این عبارت در تحقیقات گذشته هم به کار رفته است، به ناگزیر از آن استفاده کرده‌ایم.

۶- مانعی در برابر فرار مغزها؛ ۷- دست یابی به جهان وطنی. اهمیت و ضرورت شکل‌گیری هویت ملی در افراد، دست اندرکاران نظام آموزش و پرورش کشور را و می‌دارد که با دقت نظر و اعمال حساسیت‌های لازم در مؤلفه‌های تعلیم و تربیت (برنامه ریزی درسی، کتب درسی، معلم و...) تمهیدات لازم را با اتخاذ روش‌های مناسب برای ایجاد آگاهی و حس تعلق به هویت ملی در دانش‌آموزان فراهم آورند و موجب بروز رفتارهای مناسب فردی و اجتماعی در این زمینه شوند.

پیشینه پژوهش

در زمینه هویت ملی در تعلیم و تربیت تحقیقات زیادی در خارج از کشور صورت گرفته که در همه آنها بر لزوم شکل‌گیری هویت ملی در دانش‌آموزان تأکید شده و در هر یک به هویت ملی در بخش‌های مختلف نظام آموزشی پرداخته شده است. از آن جمله در تعلیم و تربیت کانادا بر نقش برنامه درسی ملی در ایجاد نگرش‌ها، ارزش‌های همسان در مقوله‌های اقتصاد، فرهنگ و جامعه پیشرفته در یک کشور تأکید شده است. (۷) در نظام آموزشی نروژ نیز هویت ملی در ساختار برنامه درسی وارد شده و بر این اصل تأکید کرده است که باید تا حد امکان فراگیرندگان را به هم نزدیک ساخت. (۸) در برنامه تنظیم شده یونسکو، میهن دوستی در زمره ارزش‌های اصلی با مرکزیت شأن انسانی است که در قالب هم بستگی ملی، احترام به فرهنگ خودی و فرهنگ دیگران، ارزش‌گذاری به میراث ملی، تعلیمات مدنی و مسؤولیت‌های اجتماعی، از اهداف برنامه درسی شمرده شده است و با تمرینات ویژه در سال‌های اولیه و سال‌های بعد در حوزه‌های مختلف درسی، تحقق می‌یابد. (۹)

در کشور ما، برخلاف بسیاری کشورها که برای بحث هویت ملی اهمیت زیادی قائل‌اند، این مبحث خصوصاً در تعلیم و تربیت هنوز قدم‌های ابتدایی را بر می‌دارد. در بررسی پیشینه تحقیقات داخلی، علی‌رغم جست و جوی فراوان موارد معدودی به چشم می‌خورد که از آن جمله، بررسی فعالیت‌های فرهنگی مدارس در شکل دهی هویت ایرانی دانش‌آموزان است (۱۰). این پژوهش با تمرکز بر فعالیت‌های فوق برنامه مدارس شامل مسابقات شعر و قصه نویسی، مطالعه و تحقیق در محتوای بازدیدهای دانش‌آموزی و جست‌وجوی هویت ایرانی^۱ در محتوای این فعالیت‌ها بوده است. نتایج پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- توجه به ارزش‌های ملی، مذهبی بالاترین فراوانی را در آثار دانش‌آموزی و بازدیدها (۲۷/۵ درصد) به خود اختصاص داده است.
 - ۲- اسطوره‌های مذهبی (اسلامی) در کانون توجه مریبان تربیتی مدارس قرار دارد و از اسطوره‌های ملی نظیر اسطوره‌های شاهنامه معمولاً غفلت شده است.
 - ۳- هنجارهای مذهبی - مانند اعیاد اسلامی - و ملی - مانند جشن پیروزی انقلاب اسلامی - مورد توجه مریبان بوده است اما در مورد هنجارهای ملی مانند عید نوروز، رسم شب یلدا و دیگر هنجارهای مرسوم، فعالیت خاصی انجام نشده است.
 - ۴- توجه به نمادهای ملی در آثار دانش‌آموزی مشاهده نگردید.
 - ۵- جغرافیای ایران به عنوان یکی از مقوله‌های هویت بخش ایرانیان، توجه مریبان را کم‌تر به خود معطوف داشته است.
 - ۶- توجه به میراث فرهنگی در مدارس، بیش‌تر در قالب بازدیدها تجلی یافته اما در دیگر فعالیت‌های پرورشی مدارس هنوز جایگاه خویش را نیافته است.
- تحقیق فوق نشان می‌دهد که نقش فعالیت‌های مدارس در شکل‌دهی هویت ایرانی در دانش‌آموزان کم‌رنگ بوده و به درستی نتوانسته است آگاهی، تعلق خاطر و پای‌بندی به ارزش‌ها، باورها، هنجارها، نمادها، اسطوره‌های ملی و آگاهی از جغرافیای ایران و میراث فرهنگی را - که سازنده هویت ایرانی است - در دانش‌آموزان ایجاد کند. به عبارت دیگر، فرهنگ اصیل ایرانی در مدارس مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.
- پژوهش دیگری که در این زمینه انجام شده و نتیجه آن نتیجه پژوهش فوق را تأیید می‌کند، "بررسی شیوه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی در بین دانش‌آموزان شهر تهران" (کفاش و فریدی، ۱۳۷۵) است که در آن قضاوت و داوری براساس نظرسنجی از دانش‌آموزان در مورد علل جذب به فرهنگ بیگانه به شرح زیر تنظیم گردیده است:

رتبه به دست آمده	درصد اختصاص یافته بر حسب اولویت	علت جذب
اول	۹۰/۲	کمبود امکانات رفاهی، تفریحی و ورزشی
دوم	۸۵/۷	عدم توجه به نیازها و خواسته‌های هیجانی و پرشور و نشاط جوانان
سوم	۸۵	ضعف در عمل به فرایض دینی چون نماز، روزه و ...
چهارم	۸۲	در دسترس بودن فیلم‌های مستهجن ویدئویی و ماهواره‌ای
پنجم	۸۱/۸	ضعف در توجه به فرهنگ اصیل ایرانی

نکته قابل تأمل در این تحقیق آن است که هر چند عامل عدم توجه به فرهنگ ایرانی در فرضیات اولیه به عنوان یکی از علل جذب به فرهنگ بیگانه مطرح نبوده است اما در حدود ۸۱/۸ درصد دانش‌آموزان به این مورد اشاره کرده‌اند.

عدم تعلق زمانی و مکانی به فرهنگ و هویت خویش و بی‌ارتباطی با ریشه‌ها و اصالت‌ها، فرد و جامعه را در موقعیتی قرار می‌دهد که به بحران هویت معروف است و سردرگمی در نقش را رقم خواهد زد. اگر این حالت به هویت یابی و شکل‌گیری هویت منسجم و قابل اعتماد در فرد منجر نشود، پایه شخصیت روانی، اجتماعی و فرهنگی افراد جامعه سست می‌شود و از خود بیگانگی - که انکار هویت موجود است - به انضمام تبعات نامناسب آن رواج خواهد یافت.

پژوهش دیگر در این زمینه، "مطالعه علی و تحلیلی هویت یابی نوجوانان ایرانی و رابطه آن با ساخت اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی خانواده در دانش‌آموزان شهر تهران" است. (۱۱)

در این تحقیق با اشاره به اهمیت هویت‌های مذهبی، ملی و جنسی دانش‌آموزان در حیطه عاطفی بر لزوم فعالیت و برنامه ریزی در دست یابی به این هویت‌ها تأکید شده است. شایان ذکر است که این تحقیق به ساخت ابزار سنجش هویت در سه بخش مذکور و فعالیت‌های آماری برای دست یابی به پرسش‌نامه‌ای معتبر می‌پردازد. شاخص‌های شکل‌گیری هویت ملی در حیطه عاطفی در این پرسش‌نامه - که مورد استفاده پژوهش حاضر نیز قرار گرفته است - عبارت‌اند از: ۱- احساس رضایت از ایرانی بودن، ۲- علاقه به زندگی در ایران، ۳- علاقه به میراث فرهنگی و آثار برجای مانده از ایران باستان، ۴- اعتقاد به توانایی مردم ایران در حل مشکلات خود، ۵- عدم احساس حقارت فرهنگی در برابر بیگانگان.

هم‌چنان که اشاره شد، هویت ملی مقوله‌ای از نوع دانش و گرایش است و از دو دید روان‌شناختی و جامعه‌شناختی در حیطه‌های شناختی و عاطفی و به نوعی رفتاری اهمیت دارد و می‌توان آن را بررسی کرد. در یک بررسی تحولی از شکل‌گیری مفاهیم میهن و بیگانه نزد کودکان ۶ تا ۱۲ ساله، از دید روان‌شناختی نتایج زیر حاصل آمده است. (۱۲):

- ۱- در سنین شش تا دوازده سال آگاهی یابی بر میهن و متعلقات آن، به صورت مرحله‌گونه تحول می‌پذیرد. روند به طور کلی حرکتی از ملموس به انتزاعی دارد و در دوازده سالگی هنوز پایان نایافته به نظر می‌رسد.

- ۲- روند تحولی آگاهی یابی بر هویت ملی با روند احساس تعلق به آن همراه است و هم‌بستگی‌های مثبت و معنی دار، توازی روندها را در جنبه‌های شناختی و عاطفی مفهوم (میهن) تأیید می‌کند.

۳- آگاهی یابی بر هویت ملی به موازات آگاهی یابی بر غیرخودی است و وجود همبستگی مثبت و معنی دار، آن را تأیید می‌کند.

۴- کاهش معنی دار استاد به ذهنیات شخصی از سویی و عدم پذیرش مفعولانۀ شنیده‌ها و گفته‌های پیرامون از سویی دیگر - که در موازات سطوح سازمان یافتگی پاسخ‌ها در سنین حوالی ده، دوازده سال دیده می‌شوند - تأییدی بر نظریات پیاژه است که بر اساس آن فرآیندهای جذب و انطباق به صورت میانجی‌های ذهن و محیط، تبادلات میان آنها را تنظیم می‌کند و سامان می‌بخشد.

استفاده از جنبه‌های روان شناختی شکل‌گیری هویت ملی در تعلیم و تربیت می‌تواند موجب حصول اطمینان از برنامه ریزی صحیح در این زمینه باشد.

چنان که می‌دانیم، کتب درسی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تعلیم و تربیت هستند که با توجه به شمول و اهمیت آنها در نظام آموزشی متمرکز لازم است مورد توجه خاص قرار گیرند. در پژوهشی از نوع تحلیل محتوا (۱۳) که به بررسی وضعیت اقوام مختلف ایرانی پرداخته و به هویت ملی نیز اشاراتی دارد، نشان داده شده است.

در کتاب‌های درسی وابستگی قومی در پایه قرار دارد. بعد وابستگی ملی می‌آید و آن نیز تحت انقیاد وابستگی مذهبی است. آن‌گاه تصویر، نقاشی، عکس به کمک نوشته‌ها می‌آیند تا وحدت مردم را در خدمت به وطن به رغم گوناگونی قومی و منطقه‌ای بازگو کنند.

با توجه به این که در همه پژوهش‌های انجام شده بر لزوم شکل‌گیری هویت ملی در افراد (دانش‌آموزان) تأکید شده است ولی به وضعیت موجود دانش‌آموزان در احساس تعلق به هویت ملی و بررسی فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب برای سیاست‌گذاری و برنامه ریزی در نظام آموزشی پرداخته نشده است، پژوهش حاضر به طور اخص به تبیین این امر می‌پردازد.

پرسش‌های تحقیق

این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی است که می‌تواند مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نظام آموزشی و مسؤولان امور تربیتی و فرهنگی کشور قرار گیرد:

- ۱- آیا دانش‌آموزان دوره ابتدایی نسبت به هویت ملی خود احساس تعلق دارند؟
- ۲- آیا دانش‌آموزان دوره راهنمایی نسبت به هویت ملی خود احساس تعلق دارند؟
- ۳- آیا دانش‌آموزان دوره متوسطه نسبت به هویت ملی خود احساس تعلق دارند؟
- ۴- تحول هویت ملی دانش‌آموزان از ابتدایی به راهنمایی چگونه است؟
- ۵- تحول هویت ملی دانش‌آموزان از راهنمایی به متوسطه چگونه است؟

روش تحقیق

روش تحقیق از نوع پس‌رویدادی، علی‌یا پس‌از وقوع است. در این تحقیق به دنبال کشف و بررسی نوع رفتار (احساس تعلق به هویت ملی) در دانش‌آموزان هستیم که قبلاً وجود داشته و پژوهشگر بدون هیچ‌گونه دخل و تصرف و دخالتی در متغیرها، به بررسی و مطالعه مستقیم نتایج حاصل از آنها می‌پردازد.

آزمودنی‌ها

جامعه پژوهش دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه شهر تهران هستند که در سال ۷۸ به تحصیل اشتغال داشته‌اند.

نمونه پژوهش، شامل ۲۴۰ نفر از دانش‌آموزان دختر دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به نسبت مساوی هستند که در کلاس‌های پنجم ابتدایی، سوم راهنمایی و سوم دبیرستان در چهار منطقه آموزشی شهر تهران (۱۲، ۶، ۴ و ۱۷) با روش خوشه‌ای تصادفی، از هر منطقه ۶۰ نفر و از هر دوره تحصیلی یک مدرسه با ۲۰ آزمودنی انتخاب شده‌اند.

ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه سنجش هویت ملی است که در مجموع شامل ۲۷ سؤال در دو طیف احساس تعلق به هویت ملی و احساس عدم تعلق به هویت ملی است. پرسش‌نامه که برگرفته از طرح تحقیقی (رحیمی نژاد و احمدی، ۱۳۷۴) بوده، از روایی و اعتبار مناسبی برخوردار است. علاوه بر این، از آرای صاحب نظران نیز در اعمال اصلاحات استفاده شده و ۳۵ سؤال پرسش‌نامه اولیه به ۲۷ سؤال در پرسش‌نامه پژوهش حاضر تبدیل گردیده است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پرسش‌نامه حاضر ۸۵ درصد است و سؤالات، بیش‌تر بر سنجش حیطه عاطفی هویت ملی (احساس تعلق) تمرکز دارد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

بر اساس روش تحقیق، بررسی اطلاعات گردآوری شده به روش تجزیه و تحلیل عینی اطلاعات انجام گرفت. در این روش، پرسش‌نامه‌های گردآوری شده، پس از بررسی اولیه و حذف پرسش‌نامه‌های ناقص، با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از روش آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد و میانگین و نیز

از آمار استنباطی مشتمل بر آزمون مجذور خی^۲، کروسکال والیس^۳، من ویتنی^۴ و ویلکاکسون^۵ استفاده شده است.

نتایج

برای بررسی وضعیت آزمون دانش آموز و نمره دهی، میانگین نمرات هر آزمودنی در پاسخ به سؤالات وجود و عدم وجود احساس تعلق به هویت ملی محاسبه و با میانگین هر گروه سؤالات مقایسه گردید:

- در گروه سؤالات احساس تعلق به هویت ملی: میانگین ۲۶/۴۴، انحراف معیار ۳/۳۰، میانه ۲۷/۶۲، واریانس ۱۰/۹۰.

- در گروه سؤالات عدم شکل گیری هویت ملی: میانگین ۲۷/۰۳، انحراف معیار ۲/۵۱، میانه ۲۷/۵، واریانس ۶/۲۲.

- برای هر آزمودنی براساس میانگین موجود در هر دو گروه سؤالات، نمره ای به شرح زیر منظور گردید.

نمره ۲ بیانگر احساس تعلق به هویت ملی، نمره ۱ بیانگر احساس عدم تعلق به هویت ملی و نمره ۳ بیانگر وضعیت نامشخص یا نامتمایز در تعلق یا عدم تعلق به هویت ملی است. جدول شماره ۲ فراوانی و درصد احساس تعلق و عدم تعلق به هویت ملی را در هر یک از دوره های تحصیلی نشان می دهد.

جدول شماره ۲ - فراوانی و درصد پاسخ های آزمودنی ها

نامتمایز	احساس عدم تعلق به هویت ملی		احساس تعلق به هویت ملی		تعلق به هویت ملی	دوره تحصیلی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۶	۷/۴	۱۳	۱۹/۹	۱۶	۴۳	ابتدایی
۷/۹	۹/۳	۱۷	۱۶/۲	۲۰	۳۵	راهنمایی
۶/۹	۱۱/۶	۱۵	۱۴/۸	۲۵	۳۲	متوسطه
۲۰/۸	۲۸/۲	۴۵	۵۰/۹	۶۱	۱۱۰	جمع

نگاهی به جدول ۲ نشان می دهد که ۵۰/۹ درصد از دانش آموزان به هویت ملی خود

2- Chi - Square

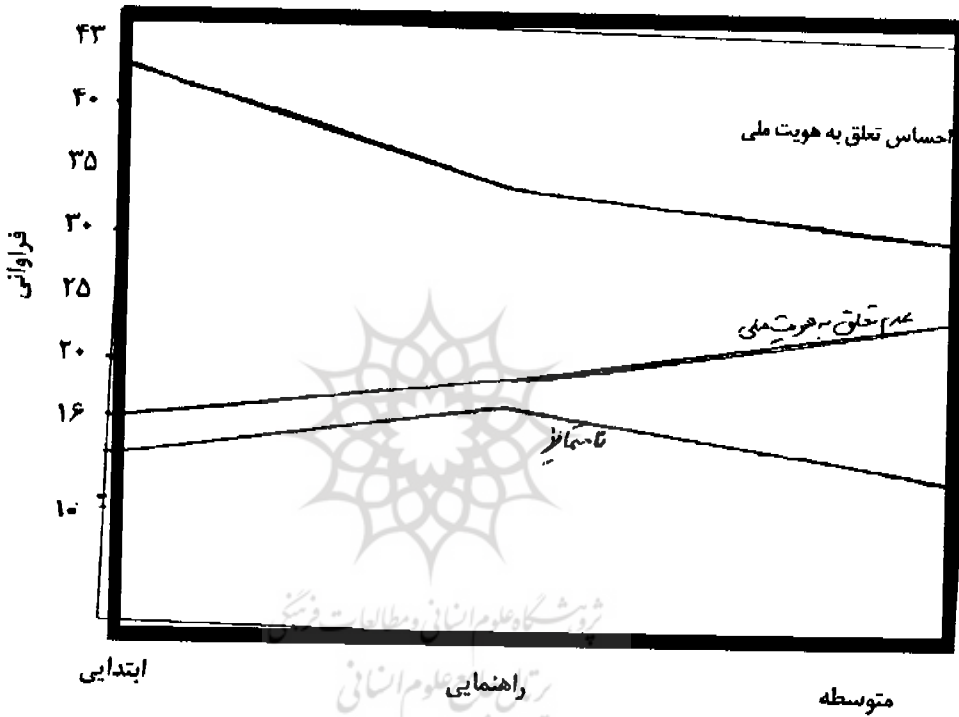
3- Kruskalwalis

4- Mann Whitney

5- Wilcoxon rank W.Test

احساس تعلق داشته و ۲۸/۲ درصد کل دانش‌آموزان به هویت ملی خود ابراز عدم تعلق نموده اند و ۲۰/۸ درصد کل دانش‌آموزان در وجود یا عدم وجود احساس تعلق به هویت ملی غیر قابل تشخیص بوده‌اند. نمودار خطی (۱) احساس تعلق به هویت ملی را در دوره‌های مختلف ابتدایی، راهنمایی و متوسطه نشان می‌دهد.

نمودار خطی ۱ - تعلق به هویت ملی دانش‌آموزان



دوره‌های تحصیلی

منحنی فوق نشان می‌دهد که احساس تعلق به هویت ملی از ابتدایی به راهنمایی و از راهنمایی به متوسطه کاهش می‌یابد و کم‌ترین مقدار خود را در این دوره نشان می‌دهد. عدم احساس تعلق به هویت ملی از ابتدایی به راهنمایی و از راهنمایی به متوسطه افزایش می‌یابد و به بیش‌ترین میزان خود در دوره متوسطه می‌رسد. عدم تمایز در تعلق به هویت ملی در

دورهٔ راهنمایی بیشترین میزان را نسبت به دو دورهٔ دیگر نشان می‌دهد. سپس در هر یک از دوره‌های تحصیلی تعلق یا عدم تعلق به هویت ملی مورد بررسی قرار گرفته است.

در دورهٔ ابتدایی: فراوانی پاسخ‌های مشاهده شده وجود تعلق (۴۳) بیش از فراوانی مورد انتظار آن (۳۶/۷) است. فراوانی پاسخ‌های عدم تعلق (۱۶) و نامتمایز (۱۳) کم‌تر از فراوانی مورد انتظار آنها (۲۰/۳ و ۱۵) می‌باشد. سپس مقدار X^2 در این دوره محاسبه گردید:

$$X^2 < X^2 \text{ م} \quad \text{ب} \quad X^2 = 5/99 = (2 \text{ و } 5\%) \text{ ب} \quad X^2$$

بنابراین، فرضیهٔ صفر رد نمی‌شود و برای اثبات این نظر که دانش‌آموزان دورهٔ ابتدایی به هویت ملی خود احساس تعلق دارند، شواهد کافی در دست نیست و به این مسأله به روشنی نمی‌توان پاسخ داد.

در دورهٔ راهنمایی: فراوانی پاسخ‌های مشاهده شده وجود تعلق (۳۵) و عدم وجود تعلق (۲۰) کم‌تر از فراوانی مورد انتظار آنها (۳۶/۷ و ۲۰/۳) بوده و فقط در بخش عدم تمایز، فراوانی مشاهده شده بیش از فراوانی مورد انتظار است. برای بررسی معنادار بودن تفاوت خنثی دو محاسبه انجام گرفت:

$$X^2 < X^2 \text{ م} \quad \text{ب} \quad X^2 = 5/99 = (2 \text{ و } 5\%) \text{ ب} \quad X^2$$

با وجود این، فرضیهٔ صفر رد نمی‌شود و برای اثبات این نظر که دانش‌آموزان دورهٔ ابتدایی به هویت ملی خود احساس تعلق دارند، شواهد کافی در دست نیست و به این مسأله به روشنی نمی‌توان پاسخ گفت.

در دورهٔ متوسطه: فراوانی پاسخ‌های مشاهده شده در عدم تعلق به هویت ملی (۲۵) بیش از فراوانی مورد انتظار آن (۲۰/۳) است و فراوانی مشاهده شده وجود تعلق (۳۲) کم‌تر از فراوانی مورد انتظار (۳۶/۷) بوده و فقط در پاسخ‌های نامتمایز است که فراوانی مشاهده شده (۱۵) با فراوانی مورد انتظار برابر است. سپس خنثی دو محاسبه گردید. $X^2 = 1/68$

$$X^2 < X^2 \text{ م} \quad \text{ب} \quad X^2 = 5/99 = (2 \text{ و } 5\%) \text{ ب} \quad X^2$$

در نتیجهٔ فرضیهٔ صفر رد نمی‌شود و برای اثبات این نظر که دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه به هویت ملی خود احساس تعلق دارند، شواهد کافی در دست نیست و به این مسأله به روشنی نمی‌توان پاسخ گفت.

در جست و جوی رابطهٔ معناداری بین هویت ملی آزمودنی‌ها و دوره‌های تحصیلی ایشان، مجذور خنثی برای کل آزمودنی‌ها محاسبه گردید. $X^2 = 4/7$

$$X^2 < X^2 \text{ م} \quad \text{ب} \quad X^2 = 7/81 = (4 \text{ و } 5\%) \text{ ب} \quad X^2$$

بنابراین، بین متغیر دورهٔ تحصیلی و احساس تعلق به هویت ملی رابطهٔ معناداری وجود

ندارد و فرضیه صفر رد نمی‌شود. هم‌چنین بین متغیر تعلق به هویت ملی و دوره‌های تحصیلی، آزمون کروسکال والیس که تحلیل واریانس یک متغیری در طرح‌های تصادفی و برای داده‌هایی است که به صورت رتبه‌ای جمع‌آوری شده‌اند، انجام گرفت و نتایج زیر که مؤید نتیجه مجذور کای است، حاصل آمد.

$$H = 1/0.174$$

$$X^2 = 2$$

$$\text{sig} = 0/6013$$

در نتیجه، رابطه معناداری بین متغیر دوره تحصیلی و تعلق به هویت ملی وجود ندارد و نظام آموزشی تأثیر چشم‌گیری در تعلق به هویت ملی در دانش‌آموزان ندارد. از دیگر مواردی که پژوهش حاضر در جست و جوی پاسخ برای آن است، تعلق یا عدم تعلق به هر یک از شاخص‌های شکل‌گیری هویت ملی است که شرح آن گذشت. جدول ۳ تعلق به هویت ملی را در هر یک از شاخص‌ها در تعلق یا عدم تعلق نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳ - تعلق به شاخص‌های شکل‌گیری هویت ملی در دانش‌آموزان

دوره تحصیلی	احساس رضایت از ایران بودن		علاقه به زندگی در ایران		علاقه به سیرات فرهنگی کشور		احساس عدم حقارت فرهنگی در برابر بیگانه		اعتقاد به توانایی ایرانیان	
	تعلق	عدم تعلق	تعلق	عدم تعلق	تعلق	عدم تعلق	تعلق	عدم تعلق	تعلق	عدم تعلق
ابتدایی	۲۸۶	۷۱	۲۸۳	۷۳	۲۹۵	۶۲	۲۷۸	۶۶	۲۹۰	۶۷
راهنمایی	۲۷۵	۸۵	۲۶۴	۹۴	۲۸۱	۷۷	۲۵۸	۹۹	۲۹۱	۶۵
متوسطه	۲۷۰	۸۱	۲۶۲	۸۶	۲۹۷	۵۷	۲۶۵	۹۰	۲۷۶	۷۶

وجود و نبود هر یک از شاخص‌ها در هر یک از دوره‌های تحصیلی از طریق آزمون من ویتنی و ویلکا کسون رنگ انجام گرفت که در نتیجه این آزمون‌ها W و $2\text{-Tailed } P = 0/000, Z = 18, U = 0$ در فاصله بین دو عدد 1623 و 4950 است.

نگاهی به جدول ۳ نشان می‌دهد:

- ۱- احساس رضایت از ایرانی بودن از دوره ابتدایی به راهنمایی و از دوره راهنمایی به متوسطه کاهش می‌یابد.
- ۲- اعتقاد به توانایی مردم ایران از راهنمایی به متوسطه کاهش می‌یابد.
- ۳- علاقه به زندگی در ایران از ابتدایی به راهنمایی کاهش می‌یابد.
- ۴- علاقه به میراث فرهنگی از دوره راهنمایی کاهش و از راهنمایی به دبیرستان افزایش می‌یابد.
- ۵- عدم احساس حقارت فرهنگی در برابر بیگانه از ابتدایی به راهنمایی کاهش و از

راهنمایی به متوسطه افزایش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

اهمیت و ضرورت شکل‌گیری هویت ملی در دانش‌آموزان از بعد فردی و اجتماعی در زمان حال و آینده، ما را به بررسی وضعیت دانش‌آموزان در تعلق به هویت ملی در آنان واداشت. در هر جامعه‌ای، مطلوب آن است که افراد براساس پیشرفت شرایط سنی و برخورداری بیش‌تر از تعلیم و تربیت رسمی کشور، به مرور زمان نسبت به فرهنگ ملی و ارزش‌های سیاسی بیش‌تر احساس تعلق کنند (۱۴) و نظام آموزشی در این زمینه نقش فعالی داشته باشد. به عبارت دیگر، لازم است که هر جامعه‌ای - خواه متجدد و خواه سنتی - رسوم و سنت‌های خاص خود را حفظ کند و برای آنها ارزش قائل شود؛ از فرهنگ ملی خود حمایت کند و آن را به نظام آموزشی منتقل نماید؛ زیرا بدون آموزش، ما فرهنگ خود را فراموش می‌کنیم و فرهنگ‌های ساختگی را می‌آموزیم. (۱۵)

در بررسی به عمل آمده - چنان‌که مشاهده گردید - وجود احساس تعلق به هویت ملی در دوره ابتدایی تأیید نگردید؛ تربیت میهن دوستی بر احساس تعلق به گروه و وابستگی به محیط زندگی مبتنی است ولی کودک دبستانی هنوز نمی‌تواند تعلق خود را به اجتماعی که از خانواده و مدرسه وسیع‌تر باشد دریابد. (۱۶) شناخت کودک نسبت به مفهوم میهن، دارای حرکتی از ملموس به انتزاعی است و در دوازده سالگی هنوز پایان نیافته به نظر می‌رسد (محسنی، ۱۳۷۴). با این وصف، براساس پژوهش حاضر در حدود دو سوم از دانش‌آموزان به هویت ملی خود احساس تعلق کردند، در حدود یک سوم آنان نسبت به هویت ملی خود بی‌علاقه بودند یا نامتمایز تشخیص داده شدند. وجود پرسش‌هایی بالاتر از سطح این آزمودنی‌ها، هم چنین میل به پاسخ دادن براساس نظر بزرگ‌ترها و عدم شکل‌گیری کامل هویت‌های گروهی در این گروه سنی، می‌تواند دلایل احتمالی حصول این نتیجه باشد.

عدم تأیید وجود تعلق به هویت ملی در دانش‌آموزان راهنمایی و بررسی نظریات آزمودنی‌ها نشان می‌دهد که شکل‌گیری تعلق به هویت ملی حدود نیمی از پاسخ‌ها را شامل می‌شود و در حدود پنجاه درصد دیگر افراد این گروه به هویت ملی خود ابراز تعلق ننموده‌اند. عدم تمایز در هویت یافتگی ملی در این دوره افزایش می‌یابد که شاید بتوان دلایل آن را بحران هویت یابی نوجوانان در این سنین، خروج از مرحله دیگر پیروی و میل به ابراز وجود و مخالفت با نظر بزرگسالان دانست. لازم است در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پرروشی و در مؤلفه‌های تعلیم و تربیت، با توجه به خصوصیات شناختی،

عاطفی و اجتماعی این گروه سنی، تدابیر مناسبی جهت هویت‌یابی ملی دانش‌آموزان اتخاذ گردد تا این بحران هویت به از خود بیگانگی منتهی نشود.

کار واقعی شکل‌گیری هویت در دبیرستان آغاز می‌شود. در این سنین فرد در حال بازسازی هویت خویش است و زمینه اجتماعی تجربیات او در تجربه بحران هویت، نقش مهمی دارد. دانش‌آموزان پایان دوره متوسطه را شاید بتوان محصول به بار نشسته آموزش و پرورش دانست که در طی ۱۲ سال با صرف هزینه بسیار در بخش‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی نظام آموزشی حاصل آمده‌اند و به مثابه ثمره سال‌ها فکر و عمل آماده ارائه به جامعه هستند. علاوه بر این، تعداد کمی از دانش‌آموزان شانس ورود به دانشگاه و استفاده از تعلیمات آموزش عالی را دارند. لذا در پایان دوره متوسطه باید این اطمینان حاصل شده باشد که دانش‌آموز از بعد شناختی و ارزشی، اصول کلی را در مدرسه فرا گرفته و به عبارتی فرهیخته شده است و با استفاده از امکانات این مرز و بوم دانش‌آموز آموخته‌گردیده و آماده خدمت برای این مرز و بوم است. عدم تأیید وجود احساس تعلق به هویت ملی در میان دانش‌آموزان دبیرستانی، حاکی از آن است که متأسفانه، به رغم اهمیت بسیار این دوره در شکل‌گیری هویت ملی، احساس تعلق به هویت ملی در این دوره سیر نزولی داشته است. البته این نتیجه در راستای پژوهش‌های قبلی است. بدیهی است در شرایطی که فعالیت‌های مدارس بی توجه به فرهنگ ملی و ایرانی بوده است (ملاصدقی، ۱۳۷۸) و دانش‌آموزان خود نیز متوجه این امر شده‌اند و ضعف در توجه به فرهنگ اصیل ایرانی را از دلایل عمده جذب به فرهنگ بیگانه می‌دانند (کفاش و قربدی، ۱۳۷۴)، طبیعتاً این نتیجه حاصل می‌شود و دانش‌آموزان احساس تعلق چندانی به هویت ملی خویش ابراز نخواهند داشت. این امر دلیل کم توجهی نظام آموزشی به شکل‌گیری هویت ملی در دانش‌آموزان یا عدم استفاده از راهکارهای مناسب برای تحقق آن است.

از سوی دیگر، در بررسی‌های به عمل آمده در شاخص‌های شکل‌گیری هویت ملی در این گروه نشان داده شد که احساس حقارت فرهنگی در برابر بیگانگان بیش‌ترین میزان را در این دوره تحصیلی پیدا کرده است و این نگرش در منافات کامل با استقلال فرهنگی است که از اهداف عمده بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) بوده است. ما باید با تمام وجود به استقلال فرهنگی برسیم که پایه و اساس کشوری آزاد و مستقل است. (۱۷) اما متأسفانه مشاهده می‌شود کودکان که عمدتاً پس از انقلاب اسلامی متولد شده‌اند، در نظام آموزشی موجود نگرش مثبتی در این زمینه ندارند. همین امر در مورد عدم اعتقاد به توانایی مردم ایران در حل مشکلات خود نیز وجود داشته و در دبیرستان به بیش‌ترین میزان خود نسبت به سایر دوره‌های تحصیلی می‌رسد. دلیل عمده این امر را شاید بتوان عدم

برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های آموزشی و پرورشی مناسب برای ایجاد این باور و نگرش در دانش‌آموزان دانست. متعاقباً از چنین تفکری نمی‌توان انتظار پیشرفت و تعالی فردی و زمینه‌سازی برای پیشرفت و توفیق جامعه و تلاش برای سربلندی کشور را داشت. علاوه بر این، عدم وجود تفاوت معنادار میان دوره‌های تحصیلی در زمینه تعلق به هویت ملی نشان می‌دهد که بهره‌مندی افراد از نظام آموزشی، در افزایش علاقه آنان به هویت ایرانی، عرق ملی، تفاخر و غرور ملی تأثیر محسوس نداشته و نظام آموزشی نتوانسته است سهم عمده‌ای در ایجاد آگاهی و تعلق به هویت ایرانی داشته باشد. به نظر می‌آید در این زمینه دانش‌آموزان پیروی از سایر منابع شکل‌دهنده هویت چون دوستان و همسالان، رسانه‌های گروهی و... را به برنامه‌های غیرهماهنگ نظام آموزش رسمی ترجیح داده‌اند.

بدیهی است که ضعف در هویت‌یابی و شکل‌گیری هویت ملی از عوامل عمده زمینه‌ساز تهاجم فرهنگی است. زمانی که خودآگاهی و خودباوری فرهنگی وجود نداشته باشد و فرهنگ بیگانه بر فرهنگ خودی ترجیح داده شود، بستری مناسب برای پذیرش فرهنگ بیگانه فراهم می‌شود که از آن غالباً به تهاجم فرهنگی یاد می‌کنند و "شریعتی" پدیده بی‌هویتی را از حربه‌های کهنه استعمار در ایران می‌دانند. (۱۸) علاوه بر این، فقدان راهبرد (استراتژی) لازم برای نفوذ در مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین بخش هویتی فرد - یعنی هویت آرمانی - سبب به هدر رفتن بخش اعظم سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی ما می‌شود. از سوی دیگر، عدم شکل‌گیری هویت آرمانی و مورد انتظار در دانش‌آموزان امروز می‌تواند بی‌هویتی را در جامعه فردا به همراه آورد و بی‌هویتی خود منشأ تمام وابستگی‌های علمی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... خواهد بود. لذا فعالیت‌های مدارس باید با هدف هویت‌بخشی دانش‌آموزان طرح‌ریزی شود و آموزش و پرورش در زمینه هویت‌یابی نوجوانان تدابیر مناسبی را بیندیشد و با اتخاذ روش‌های مناسب در حیطه شناختی و عاطفی، به تقویت تعلق به هویت ملی در دانش‌آموزان همت گمارد. در مسیر دست‌یابی به این هدف، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱- در سیاست‌گذاری‌های آموزشی بر اهمیت و ضرورت شکل‌گیری هویت ملی در دانش‌آموزان توجه شده و در اهداف مصوب آموزش و پرورش آگاهی‌یابی و تعلق به هویت ملی گنجانده شود.

۲- در برنامه‌های آموزشی و درسی، شکل‌گیری هویت ملی و ایجاد خودباوری ملی در دانش‌آموزان در اولویت قرار گیرد و در هر دوره تحصیلی برای دست‌یابی بدان راهکارهای عملی در نظر گرفته شود.

۳- روش‌های تقویت حس تعلق به هویت ملی در مؤلفه‌های مختلف تعلیم و تربیت (کتاب درسی، نقش معلم، برنامه ریزی درسی و...) به صورت هماهنگ، با هدف آگاهی‌یابی بر هویت ملی و ایجاد احساس تعلق بدان مطمح نظر قرار گیرند. که از آن جمله:

- استفاده از نقش تاریخ در جهت آگاهی‌یابی از توانمندی‌ها و جایگاه برجسته ایران و شکل‌گیری خودباوری در آنها.

- پرداختن به زبان و ادبیات فارسی، در زمینه جایگاه آن در سطح جهانی و همچنین استفاده از غزلیات پرشور برای علاقمند ساختن دانش‌آموزان به سرزمین آباء و اجدادی.

- معرفی میراث فرهنگی و آثار ذوق و هنر مردم در طول تاریخ؛ پرداختن به نقش هنر و ایجاد خودباوری و تفاخر ملی.

- توجه به هویت‌های قومی و ارزش قائل شدن به تفاوت‌های فرهنگی تمام مردمی که نام ایرانی دارند و در پیدایش ایران امروز مؤثرند.

- تبیین رابطه متقابل دین و ملیت و نقش مقوم هر یک در شکل‌گیری دیگری در ایران امروزی.

- محدود نکردن زمینه‌های آموزشی و پرورشی شکل‌گیری هویت ملی افراد به مدرسه و مداومت آن به صورت آموزش مداوم، در طول زندگی و در سال‌های پس از مدرسه.

۴- فعالیت‌های فرهنگی و فوق برنامه مدارس مانند مسابقات، برگزاری مناسبت‌های ویژه و فعالیت‌های پرورشی با هدف هویت بخشی و شکل‌گیری هویت ملی در دانش‌آموزان طرح ریزی شود.

۵- ایجاد حس تعلق به هویت ملی با شکل‌گیری احساس رضایت از ایرانی بودن، علاقه به زندگی در ایران، اعتقاد به توانایی ایرانیان و علاقه به میراث فرهنگی کشور و عدم احساس حقارت فرهنگی در برابر بیگانگان همراه شود.

۶- به معرفی فرهنگ ایرانی و ایجاد خودباوری ملی و تعلق بدان، بسنده نشود و دانش‌آموزان به ارتقا و تعالی این فرهنگ ترغیب گردند.



منابع

- ۱ و ۲- کمیسیون بین المللی تعلیم و تربیت، یادگیری گنج درون، انتشارات ترکیه، بهار ۷۶، ص ۲۷۸.
- ۳- مرتضی حاج بابایی، آموزش و پرورش و بحران هویت در نوجوانان و جوانان، سومین سمپوزیوم جایگاه تربیت نوجوان و جوان در آموزش و پرورش، ۱۳۷۱، ص ۷۵.
- ۴- حمیدرضا کفاش و محسن فریدی، خلاصه تحقیق بررسی شیوه مقابله با تهاجم فرهنگی در بین دانش آموزان شهر تهران، مجله تربیت، تابستان ۷۵، شماره ۱۰، ص ۱۰.
- 5- Nugent, J. Kevin (1994) *The Development of Children's relationships with their country*, Children's Emvisonments, V11n4, P.281.
- ۶- آر.ام. گانیه، اصول طراحی آموزشی، ترجمه خدیجه علی آبادی، ص ۱۳۸.
- 7- *The School curriculum: A National Concern* Mussio, J.I. Education - canada V20n1, P11, Spr. 1980.
- 8- *Norwegian National Identity in Recent curriculum Documents*. Draft version March 1998 - Bjorg B Gundem and Berit Karseth.
- 9- *Education for Affective Devoipment*, Unesco, Apeid, Bangkok, 1992.
- ۱۰- منیره ملاصادقی، نقش فعالیت‌های فرهنگی مدارس در شکل دهی هویت ایرانی در دانش آموزان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد، ۱۳۷۸.
- ۱۱- عباس رحیمی نژاد و علی اصغر احمدی، مطالعه علی و تحلیلی هویت یابی نوجوانان ایرانی و رابطه آن با ساخت اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی خانواده در دانش آموزان شهر تهران، معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۴.
- ۱۲- نیکچهره. محسنی، گزارش تحقق شکل‌گیری مفاهیم میهن و بیگانه در کودکان شش تا دوازده ساله، معاونت پژوهشی دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۳- نوشین. یاور، اقوام و قومیت‌ها در کتاب‌های درسی، فصلنامه گفتگو، بهار ۷۳.
- ۱۴- اینجمار. فاجرلیند، تعلیم و تربیت و توسعه ملی، ترجمه سید مهدی سجادی، انتشارات تربیت، ص ۱۷۲.
- 15- Javier, Barros Valero, Under - Secretary of Higher Education and Scientific Research, Mexico, 1995, P.34.
- ۱۶- دبس، موریس. مواحل تربیت، ترجمه علیمحمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۶۴.
- ۱۷- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، جلد ۱۷، انتشارات مرکز نشر امام خمینی، ۱۳۶۷، ص ۳۵.
- ۱۸- علی. شریعتی، بازشناسی هویت ایرانی - اسلامی، انتشارات آمون، ۱۳۷۱.